

Psychological analysis of poetic colors in the poetry of Mohammad Afifi Matar based on Max Luscher test

Article type: Research

Sougol Askari Kaseb¹, Hamid Reza Mashayekhi^{2*}

¹.Master of Arabic Language and Literature, University of Mazandaran, Iran.

².Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of
Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran, Iran.

Abstract

Color is a phenomenon which establishes a link between the inner and outer worlds of humans, and the critique of color psychology is a good method to analyze human reactions to colors. Luscher 8 Colour Test is one of the scientific tests for psychological analysis, which is based on data and figures from eight different colors. Colors symbolize many different things in poetry, and their study based on psychological criteria reveals the hidden traits of the poet's personality. A variety of colors have been applied in Mohammad Afifi Matar's poetry, a modern Egyptian poet, to express his feelings towards the world around him. This study tries to investigate the reflection of colors in his poems based on Max Luscher test, and analyze his reactions to these colors. According to the research findings, the first group, consisting of red and green colors, expresses revolutionary passion, fighting spirit, criticism of the government, and courage and self-confidence. The second group, which includes black and yellow colors, expresses a pessimistic view of Egyptian society and lack of hope for a bright future. The third group, consisting of gray and blue colors, expresses some feelings such as love and peace, which desiring them makes him feel guilty considering the current situation. The fourth group contains brown and purple colors, which indicates the poet's reluctance to some feelings such as love, comfort and individualism.

Keywords: color psychology, Luscher test, contemporary poetry, Afifi Matar.

* Corresponding Author

Mashayekhih@umz.ac.ir

تحليل روان‌شناسانه رنگ‌های شعری در شعر محمد عفیفی مطر

براساس آزمون ماکس لوشر

نوع مقاله: پژوهشی

سوگل عسکری کاسب^۱، حمیدرضا مشایخی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

چکیده

رنگ پدیده‌ای است که میان جهان درون و بیرون انسان پیوند برقرار می‌کند و نقد روان‌شناسی رنگ، روشی مناسب برای تحلیل واکنش‌های انسان نسبت به رنگ‌هاست. یکی از آزمون‌های علمی برای تحلیل روان‌شناسانه، آزمون هشت‌گانه ماکس لوشر است که بر اساس داده‌ها و ارقام هشت رنگ مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. رنگ‌ها در شعر دارای معانی گوناگونی هستند و بررسی آن‌ها بر اساس معیارهای روان‌شناسی، داده‌های پنهان شخصیت شاعر را نمایان می‌سازد. محمد عفیفی مطر شاعر نوگرایی مصر در اشعارش رنگ‌های فراوانی را به کار برده و به کمک این رنگ‌ها احساسات خود را نسبت به جهان اطرافش بیان کرده است. این پژوهش می‌کوشد تا بر اساس آزمون ماکس لوشر از رهگذر شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی بازتاب رنگ‌ها در اشعارش بپردازد و تبلور احساسات شاعر را در این رنگ‌ها تحلیل کند. بر اساس یافته‌های پژوهش گروه اول مطابق آزمون لوشر متشکل از رنگ قرمز و سبز و بیان‌کننده شور انقلابی، روحیه مبارزه‌جویی، انتقاد از حکومت و جسارت و خودباوری است و گروه دوم با رنگ سیاه و زرد بیانگر نگرش بدبینانه به جامعه مصر و امید نداشتن او به آینده روشن است. گروه سوم متشکل از رنگ‌های خاکستری و آبی بیانگر احساساتی مانند عشق و آرامش است که با نگاه به وضعیت موجود از میل به آن‌ها احساس گناه می‌کند. گروه چهارم رنگ قهوه‌ای و بنفش است که بیان‌کننده موقعیت بی‌میلی شاعر نسبت به برخی احساسات مانند محبت، آسایش و فردگرایی است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر مصر، عفیفی مطر، روان‌شناسی رنگ، آزمون لوشر.

۱- مقدمه

نقد روان‌شناسی یکی از شیوه‌های نقد ادبی است که همزمان با ظهور مکاتب روان‌شناسی وارد حیطه ادبیات شد. نقد روان‌شناسی «نقدی است که بر مبنای روان‌شناسی جدید از فروید به بعد باشد. نقد روان‌شناسانه با طرح مطالبی در باب ناخودآگاه شخصی و جمعی در آثار ادبی به نقد ادبی عمق و جنبه پیش‌گویانه و رمزآمیز بخشیده است.» (شمیسا، ۱۳۸۸، ۲۰۱؛ نک، معروف و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۴) نقد روان‌شناسی شاخه‌های فراوانی یافت که نقد روان‌شناسی رنگ یکی از این شاخه‌ها است.

روان‌شناسی رنگ، مطالعه تأثیر رنگ بر شخصیت انسان است و «لایه‌های پنهان شخصیت کسانی را که با آن سر و کار دارند نمایان می‌کند» (ایتن، ۱۳۸۴، ۳۷). رنگ پدیده‌ای بصری است که عرصه کاربرد آن پهنه جهان هستی است و در ادبیات نیز کارکردهای هنری فراوانی دارد. «رنگ یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده تصویر ادبی است؛ زیرا به همه ابعاد زندگی مربوط می‌شود، دنیای رنگ‌ها بسیار گسترده است و رنگ، مفاهیم عمیق و گسترده‌ای را منتقل می‌کند و نمادها و مفهومی‌های بسیاری را در خود حمل می‌کند که همه با فرهنگ، زمان و مکان رابطه نزدیک دارد.» (چیچی ئیوا، ۱۳۹۱، ۱۷) پس رنگ‌ها در جهان ادبیات و شعر از معنای حسی خود فراتر می‌روند و معانی مجازی و ثانویه متعددی کسب می‌کنند. رنگ‌ها نقطه اتصال عالم محسوسات با دنیای درون انسان هستند و ادیب با مشاهده رنگ‌ها احساساتی در درونش برانگیخته می‌شود؛ زیرا رنگ‌ها نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی شخصیت ادیب دارند؛ چون «رنگ‌ها از ذهن شاعر گزارش می‌دهند.» (پناهی، ۱۳۸۵، ۵۱) رنگ‌ها در اشعار شاعر رمزهای روان‌شناسانه‌ای هستند که ناقد با آن می‌تواند سروده شاعر را تحلیل روان‌کاوانه کند و بازتاب شخصیت او را در اشعارش نشان دهد.

ناقدان ادبیات عربی نیز پس از آشنایی با روان‌شناسی رنگ به تحلیل روان‌کاوانه رنگ در آثار شاعران عربی پرداختند و وجوه شخصیتی آنان را بیان کردند و تأثیر رنگ‌های مختلف را بر احساسات متناقض شاعران و شکل‌گیری اغراض و مضمون‌های شعریشان واکاوی کردند. محمد عقیفی مطر از شاعران نوگرای عربی است که عنصر رنگ در اشعارش

بازتابی از شخصیت او است و به خاطر شخصیت انقلابی، منتقد، نترسی که دارد رنگ‌های شعری در اشعار او کارکردهای هنری و ادبی فراوانی دارند و جلوه‌هایی از شخصیت او را نشان می‌دهند. از خلال نقد روان‌کاوانه رنگ‌ها می‌توان با جهان‌بینی، ساختار شخصیت و تأثیر محیط بر روان او آشنا شد و به درکی دقیق از مفاهیم شعرش دست یافت.

۱-۱. پرسش پژوهش

با توجه به اهمیت و بازتاب گسترده رنگ‌های شعری در اشعار محمد عقیفی مطر این پژوهش می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ مناسب دهد:

بسامد رنگ‌های شعری در اشعار عقیفی مطر چگونه است و کدامیک بازتاب بیشتری دارند و بیشتر در چه مضمون‌های شعری به کار می‌روند؟

بر اساس آماری بسامد رنگ‌ها در شعر عقیفی مطر بیانگر کدام یک از گروه‌های آزمون لوشر است و حامل چه پیام‌هایی هستند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

اشعار محمد عقیفی مطر از جنبه‌های مختلف تحلیل شده است، ولی شعرش از نگاه روان‌شناسی رنگ در بوتۀ نقد قرار نگرفته است.

۱- احمدی و سایر همکاران در مقاله "الصوفیة و توظيفها فی القضايا الاجتماعية فی أشعار محمدرضا شفیعی کدکنی و محمد عقیفی مطر (دراسة مقارنة)" چاپ شده در مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی سال هفتم زمستان ۱۳۹۶ شماره ۲۸ به یک بررسی تطبیقی شعر شفیعی کدکنی و عقیفی مطر پرداخته و بیان داشته‌اند که هر دو شاعر جلوه‌هایی از تصوف را در شعر خویش نمایان ساخته و به دنبال آزادی راستین هستند و در شعر هر دو عشق الهی، فنا، نیستی و انسان کامل و سایر مفاهیم صوفیانه دیده می‌شود. ۲- همتی و پورحشمتی مقاله «مظاهر الحبكة السردية فی شعر محمد عقیفی مطر؛ قصیده "خطوات مقتلعه" نموذجاً» ۱۴۴۰ق، دوره ۱۵، شماره ۲، در مجله اللغة العربية و آدابها انجام داده‌اند و در آن به بررسی ساختار روایی و نقش پیرنگ در شکل‌گیری این قصیده پرداخته‌اند و انواع پیرنگ تاریخی، دلالتی، ساده و بسیط و زنجیره‌وار و متصل و منقطع و نامنظم را در این قصیده نقد و تحلیل کرده‌اند. ۳- پورحشمتی و همکاران مقاله «مؤثرات سیمیائیة فی شعر محمد عقیفی مطر قصیده مکابلات کیخوتیه نموذجاً» را به سال ۲۰۱۹، در مجله بحوث فی اللغة العربیة، المجلد ۱۱، العدد ۲۰ به نگارش

در آورده‌اند و در آن به نشانه‌شناسی عنوان قصیده، آغاز و پایان آن پرداخته و کارکرد معناشناسی واژگان این قصیده را در قالب هنجارگریزی نحوی، زمانی، معنایی، واژگانی و موسیقی نقد و تحلیل کرده‌اند. ۴- پورحسنتی و همتی مقاله «تقاطبات المدینه فی شعر محمد عفیفی مطر؛ بصمات انزیاحیه فی وظائفها وأبعادها الدلالية» را به سال ۲۰۲۱ در مجله اللغة العربیة وآدابها، دوره ۱۷، شماره ۱، به نگارش درآورده و بازتاب شهر به عنوان یکی از نشانه‌های مکانی را در شعر عفیفی مطر نشان داده‌اند و معانی هنجارگریزانه «المدینه» را نقد و واکاوی نموده و ارتباط آن را با دلالت‌های شعری موجود در مفاهیمی متضاد همچون استقامت و تن‌پروری و گرسنگی و رفاه مورد کنکاش قرار دادند.

۵- سلیمی و اقبالی مقاله «تحلیل انتقادی تناس دینی، قرآنی در شعر محمد عفیفی مطر» را در سال ۱۳۹۱، در مجله نقد معاصر عربی یزد، سال دوم، شماره سوم، به رشته تحریر درآورده‌اند. نویسندگان بازتاب آیات و داستان‌های قرآن و همچنین احادیث شریفه را در اشعار عفیفی مطر نقد و بررسی کرده‌اند. ۶- سلمانی و کردآبادی مقاله «توصیفات (نمادهای) بصری آزادگی در اشعار محمد عفیفی مطر» را به سال ۱۳۹۹ در مجله مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۳۹، به چاپ رسانده و در آن بازتاب نمادهای بصری مربوط به مفهوم آزادگی را در شعر عفیفی مطر و در مضمون‌هایی مانند وطن‌دوستی و پایداری، ظلم‌ستیزی و سکوت نکردن در برابر ظلم، حضور بیگانگان در خاک میهن، زندان و تبعید، سرانجام حکومت ظالم و انتظار برای آزادی را تحلیل کرده‌اند.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام و در تحلیل مطالب بر آزمون روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر تأکید شده و با ارائه آمار بسامدی هر کدام از رنگ‌ها اثرات آن بر شخصیت شاعر نقد شده است.

۲- پردازش موضوع

روان‌شناسی رنگ شیوه جدید نقد است که بر خلاف نقد گذشته دارای نظام مدون و قوانین مشخص با چارچوبی باز است. آزمون لوشر به علت تلفیق اعداد و ارقام و مطالب توصیفی و تحلیلی شیوه نقدی مناسب برای تحلیل شعر به شمار می‌رود و دارای مبانی و اصول مشخصی است.

١-٢. تبیین آزمون روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

آزمون روان‌شناسی رنگ هرمان رورشاخ^۱ زمینه را برای ظهور دیگر نظریه‌ها فراهم کرد. آزمایش ماکس لوشر جدیدترین نظریه‌ای است که در این زمینه ارائه شده است. در این آزمایش با کمک رنگ‌ها و اولویت‌بندی علاقه فرد در انتخاب آن‌ها، ویژگی روانی و شخصیتی فرد شناخته می‌شود. (لوشر، ۱۳۹۲، ۷) زیرا رنگ بازتابی از ساختار شخصیت و کنش‌هایی است که در روان انسان رخ می‌دهد. نظریه لوشر اثرات رنگ‌ها را بر رفتار و جسم انسان بیان می‌کند. در آزمون لوشر بررسی هر رنگ بر اساس مؤلفه‌های خاصی انجام می‌گیرد. او برای هر رنگ شماره‌ای را معین می‌کند؛ خاکستری (۰)، آبی (۱)، سبز (۲)، قرمز (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶)، سیاه (۷). شخص، رنگ‌ها را به ترتیب علاقه انتخاب می‌کند. رنگ محبوب را در انتخاب نخست و رنگ منفور را در انتخاب هشتم قرار می‌دهد. نتایج آن، اطلاعات ارزشمندی را در زمینه ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، تنش‌های روانی، حالات تعادل و بی‌تعادلی فیزیولوژی بدن او در اختیار روان‌پزشک قرار می‌دهد. (همان: ۲۷) به دلیل تغییر شخصیت شاعر در طی زندگی می‌توان با روش لوشر احساسات و شخصیت او را واکاوی کرد؛ زیرا شعر از عمق احساسات و عواطف شاعر برمی‌خیزد و آینه تمام‌نمای شخصیت و روحیات روانی اوست و رنگ‌های به‌کار رفته در آن نیز می‌تواند بهترین عنصر در این شناسایی باشد (عرب یوسف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲).

در تست لوشر رنگ‌ها به اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. چهار رنگ اصلی، رنگ‌های آبی، زرد، قرمز و سبز، دارای برتری روانی‌اند و بنفش مخلوطی از قرمز و آبی، قهوه‌ای مخلوطی از زرد، قرمز و سیاه، خاکستری و سیاه رنگهای فرعی به شمار می‌آید. هدف اصلی کاربرد رنگ‌های فرعی، بالا بردن سطح سودمندی آزمون، با افزودن رنگ‌هایی است که مقبولیت جهانی دارند. بر این اساس می‌توان گفت رنگ مورد نظر، نمایانگر چه کنشی است؛ زیرا گرایش ذهنی به طرف مطلوب‌ترین تا منفورترین رنگ، نشان‌دهنده بازتاب‌های متفاوت روانی است. (سان، ۱۳۷۸، ۲۶-۲۵) ترکیب رنگ‌های فرعی و اصلی در این نظریه، باعث می‌شود که همه وجوه شخصیت شاعر و احساسات منفی و مثبت او تحلیل شود. در پایان، هشت ردیف به چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود. ۱- «منطقه ترجیح شدید یک رنگ با علامت (+) هدف‌های مطلوب یا رفتار ناشی از هدف‌های مطلوب را نشان می‌دهد و شامل دو وضعیت است،

۱. هرمان رورشاخ (۱۸۴۴-۱۹۲۲م) روان‌پزشک و روان‌سنج سوئیسی است که کتاب تشخیص روانی را منتشر کرد. او در این کتاب به ارائه تست رورشاخ پرداخت.

وضعیت اول یا تمایل، نمایانگر روش اساسی است که شخص برای رسیدن به هدفش آن را انتخاب می‌کند. وضعیت دوم هدف واقعی را نشان می‌دهد.

۲- منطقه ترجیح عادی یک رنگ با علامت (X) وضع موجود یا رفتار مناسب با وضع موجود را بیان می‌کند و نشانگر «وضع واقعی امور» است؛ یعنی وضعیتی که شخص واقعاً خود را در آن می‌بیند.

۳- منطقه بی‌تفاوتی نسبت به یک رنگ با علامت (=) شامل وضعیت پنجم و ششم است، صفات بارز تحت محدودیت یا رفتار نامناسب با وضع موجود را بیان می‌کند.

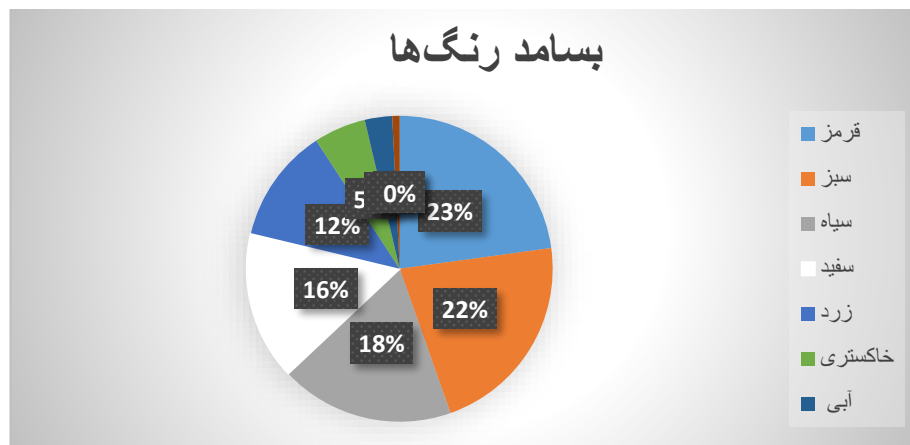
۴- منطقه بی‌میلی از یک رنگ با علامت منها (-) شامل وضعیت هفتم و هشتم است، صفات بارز سرکوفته، یا صفات بارز مملو از اضطراب را بیان می‌کند (لوشر، ۱۳۹۲، ۶۴-۳۲).

۳- تحلیل اشعار عقیفی مطر بر اساس بسامد رنگ‌ها

آزمون لوشر با آمار و ارقام سروکار دارد و برای تحلیل دقیق مطالب و ارائه دسته‌بندی منظم گروه‌ها و موقعیت‌های رنگ‌ها، نخست آمار بسامدی رنگ‌ها در اشعار عقیفی مطر بیان می‌شود و سپس برای نقد روان‌شناسانه این رنگ‌ها، نمونه‌های شعری آورده و تحلیل می‌شود. در مجموع در جلد اول دیوان ۳۸۱ بار از رنگ‌های مختلف استفاده شده است.

جدول شماره ۱ بسامد رنگ‌ها

رنگ	قرمز	سبز	سیاه	سفید	زرد	خاکستری	آبی	قهوه‌ای
عدد	۸۷	۸۳	۷۰	۶۰	۴۶	۲۱	۱۱	۳



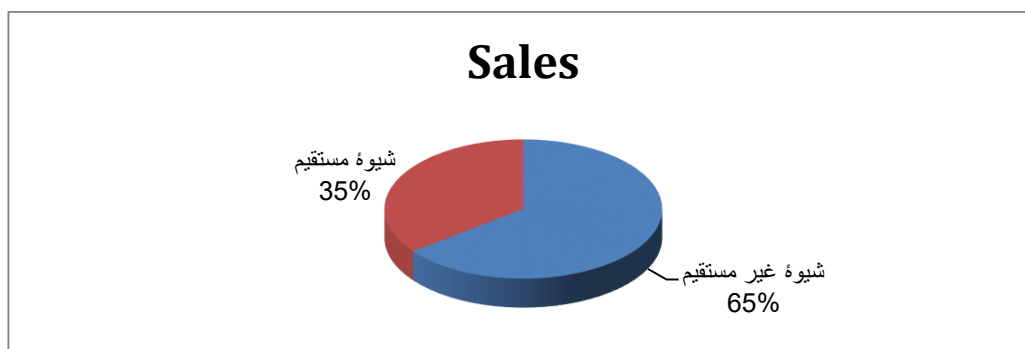
نمودار بسامد رنگ‌ها

عفیفی مطر از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم برای رنگ پردازی بهره می برد؛ بدین معنی که در شیوه مستقیم، لفظ رنگ خاکستری «الرمادی»، رنگ آبی «زُرْقَه، أَزْرَق و زَرْقَاء»، رنگ سبز «الخَضْرَاء، اخْضِرَار، خُضْرَة، اخْضَرَ و یَخْضِرُ»، رنگ قرمز «الأحمر، الحَمْرَاء، الحُمَر، القانی، أَحْمَر و یَحْمَرُ، رنگ زرد با «الأصفر، الصَفْرَاء، اصْفِرَار، اصْفَرَّ و یَصْفَرُّ و رنگ قهوه ای «البنی»، رنگ سیاه «الأسود، السَوْدَاء و سَوَاد» و رنگ سفید «الأبیض، البیضاء، بیض، ابیضاء، إبیض و یبیضُ» را به کار می گیرد.

شاعر در شیوه غیرمستقیم از الفاظی بهره می برد که از لحاظ صوری و معنایی به رنگ مورد نظر شباهت دارند. در این شیوه با کمک واژه های تداعی گر، رنگ ها را در شعرش به کار می برد. در این شیوه رنگ قرمز با واژگان «الدَم، الدِمَاء، الدَامِی، الدَمَوِی، جَمْرَة، النَّار، جَرَح، تُفَاح، وَرْد و عَفِیق» اشاره می شود. رنگ سبز با کلمات «العُشْب، الشَّجَرَة، الأشْجَار، طُحْلُب، النَّبْت و یَعِشْبُ» به صورت ضمنی ذکر می شود. او با الفاظ «اللَّیْل، الظِّل، الظِّلَال، الظُّلْمَة، الظُّلُمَات، المُظْلَمَة و العُتْمَة» به صورت کنایی و نمادین به رنگ سیاه اشاره می کند. رنگ سفید نیز با واژگان «اللَّبَن، الشُّهْب، وَهَج، القَمَر، کَوَکَب و الثَّلْج» و رنگ زرد غیر مستقیم با واژگان «الشَّمْس، القَمَح و الحِنْطَة» توصیف می شود. رنگ آبی نیز با تداعی گرهای «البحر و السماء» و رنگ خاکستری با واژگانی همچون «الدُّخَانِیَّة و السِّدِّیْمِیَّة» به کار می رود.

جدول شماره ۲ بسامد رنگ ها

شیوه مستقیم	شیوه غیرمستقیم
۱۳۵	۲۴۶



نمودار رنگ ها

رنگ حنایی در زیر مجموعه رنگ قهوه‌ای، رنگ فیروزه‌ای در زیر مجموعه رنگ آبی و رنگ نارنجی، لیمویی و طلایی در زیر مجموعه رنگ زرد قرار می‌گیرد. هر چند رنگ سفید چهارمین رنگ پربسامد در شعر عقیفی مطر است و ۱۶ درصد از کل رنگ‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، چون در آزمون لوشر رنگ سفید جزء هشت رنگ نیست، این رنگ در تحلیل مطالب مد نظر قرار نمی‌گیرد.

جدول شماره ۳ بسامد رنگ‌ها

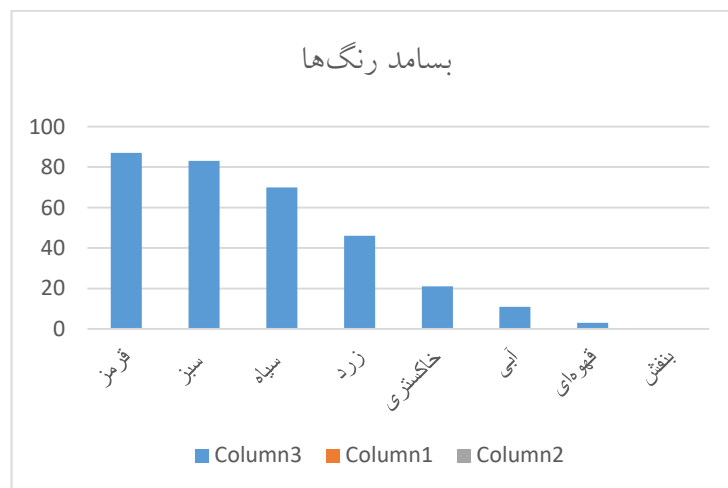
رنگ	قرمز	سبز	سیاه	زرد	خاکستری	آبی	قهوه‌ای	بنفش
عدد	۸۷	۸۳	۷۰	۴۶	۲۱	۱۱	۳	۰

آمار جدول شماره ۳ - جدول چیدمان و عملکرد رنگ‌ها

رنگ و رمز	قرمز(۳)	سبز(۲)	سیاه(۷)	زرد(۴)	خاکستری(۰)	آبی(۱)	قهوه‌ای(۶)	بنفش(۵)
عملکرد	+	+	×	×	=	=	-	-

بر اساس رمز و عملکرد رنگ‌ها می‌توان آن‌ها را به چهار گروه تقسیم کرد:

گروه اول (۲+۳) گروه دوم (۷×۴) گروه سوم (۰=۱) گروه چهارم (۵-۶)



نمودار بسامد رنگ‌ها

٤- تحلیل روان‌شناسانه رنگ‌ها در اشعار عفی‌ی‌مطر

٤-١. گروه اول زوج قرمز و سبز (٢+٣)

٤-١-١. قرمز (٣+)

قرمز از جمله رنگ‌های اصلی، بیانگر نیروی حیاتی، فعالیت عصبی و غددی است و معنای آرزو و میل و اشتیاق را دارد یعنی محرک، اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های شور زندگی و قدرت (لوشر، ۱۳۹۲، ۸۷-۸۶). قرمز رنگ حرارت، نیرو، جوانی و غرور و اعتماد به نفس بالا و سرزندگی است. این رنگ اثرات عمیقی بر شخصیت انسان دارد و از نظر معنوی و روحی، نیروی اراده و شجاعت را تقویت و بر ضعف قلب و بی‌ایمانی، غلبه؛ (هانت، ۱۳۷۸، ۵۳) و ویژگی‌های اخلاقی مانند شجاعت، بی‌باکی، استقامت، سرسختی، خشم و هیجان را در ذهن تداعی می‌کند.

رنگ قرمز بالاترین بسامد را در اشعار مطر دارد و بیشتر در مضمون‌های سیاسی، اجتماعی و ملی‌گرایانه بازتاب می‌یابد و با رویکردی انتقادی به مسائلی همچون فقر، تبعیض، خفقان، استبداد و نبود آزادی می‌پردازد. یکی از اصلی‌ترین مضامینش مقاومت و داشتن روحیه پرشور و امیدواری است. وی با وجود فشار دستگاه امنیتی، از رسالت خود عقب‌نشینی نکرده و شعرش را تریبونی آزاد برای بیان خواسته‌های مردم قرار می‌دهد. در این گونه از اشعار، خون به عنوان کلیدواژه‌ای اساسی عمل می‌کند. در ابیات زیر با صفت «القانی» برای «الدم» شدت عزمش را برای دادخواهی و مبارزه با بیداد نشان می‌دهد. «القانی» به معنای قرمز تیره رگه‌هایی از سیاهی را در خود دارد و سرخی خون را تداعی، و نقش عنصر رنگ را در مضمون شعرش برجسته می‌کند: أَرَعَى السَّوْاقِيَّ وَالْحُقُولَ / مَا زِلْتُ حَيًّا لَمْ أَمُتْ ... جُرْحِي يَسِيلُ / عَامًّا فَعَامًّا لَمْ يَزَلْ ثَأْرِي ضَرَامًا فِي الرَّمَادِ / رَوَيْتُ سَيْفِي بِالْدمِ الْقَانِي وَثَأْرِي لَا يَمُوتُ (مطر، ۱۹۹۸، ۱/ ۹۶). ترجمه: (از رودها و کشتزارها مراقبت می‌کنم) چوپانی کردم. مادامی که زنده‌ام و نمرده‌ام. زخمم (خون) سال به سال جاری می‌شود و هم‌چنان آتش شورش و انتقامم در خاکستر روشن است. شمشیرم را از خون سرخ سیراب کرده و خون‌خواهیم نمی‌میرد).

شاعر با ردیف کردن واژه‌های معادل رنگ قرمز یعنی «الدَّم»، «جُرْح»، «ضِرام» و «القانی» روحیه پایداری برای احقاق حقوق را بهتر نشان می‌دهد و ویژگی‌های شاخص اخلاقی یعنی جسارت، قاطعیت در انجام کارها را بازتاب می‌دهد.

عفیفی مطر در یکی از مضمون‌های انتقادی با زبانی کاملاً پوشیده به نکوهش جنگ‌طلبی انسان معاصر می‌پردازد و میل آدمی را به کشتار و خونریزی نفرت‌انگیز می‌داند. او برای ترسیم این خشونت ذاتی بشر، از رنگ قرمز بهره می‌برد. وی بر این باور است که ستمگران روح ستم‌دیدگان را به بند کشیده و آن را به خاک و خون می‌کشند. ذهن انسان ناخودآگاه با شنیدن نام خون دچار ترس و پریشانی می‌شود و اولین تصویری که در ذهن او نقش می‌بندد، با زمینه رنگ قرمز است. در واقع رابطه معنایی میان خون و رنگ قرمز وجود دارد و این رابطه زمینه را برای ورود به لایه‌های عمیق معنایی متن فراهم می‌کند و حرف دل شاعر را که در لفافی از واژگان درهم تنیده نمایان می‌سازد. در ابیات زیر صفت «الدّامی» روساخت معنای متن است که با شنیدن آن رنگ قرمز به ذهن انسان خطور می‌کند و این رنگ قرمز به مفهومی عمیق‌تر یعنی خشونت‌طلبی و میل انسان‌ها به از بین بردن دیگران و محو حس نوع دوستی و محبت در میان انسان‌ها، اشاره می‌کند: وَأَدْرَنَّا وَجْهَنَا نَلْتَمِسُ النِّسْيَانَ خَوْفًا مِنْ طُئُونِ الْحَسَرَاتِ / خَوْفَ أَنْ نَنْظُرَ فِي أَعْمَاقِنَا إِنْسَانَنَا الدَّامِيَ الْقَتِيلَ / آه يَا إِنْسَانَنَا الدَّامِيَ الْقَتِيلَ (همان، ۶۷). ترجمه: (روی برگردانیم در طلب فراموشی برای ترس از گمان‌های حسرت‌آمیز و هیبت از این که در ژرفنای درونمان انسان خونین و مقتولی را نظاره‌گر باشیم).

شاعر در این ابیات به شیوه‌ای غیرمستقیم و بدون ذکر رنگ قرمز (أحمر) و با استفاده از صفت «الدّامی» به آن اشاره می‌کند. میان دو صفت «الدّامی» و «القتیل» نوعی هم‌معنایی وجود دارد که ناخواسته رنگ قرمز را تداعی می‌کنند و اولین واکنش ذهن نسبت به این ترکیب کلمات و رنگ قرمز، ترس و دلهره نسبت به خمیرمایه وجود انسان است که به راحتی برای حذف هم‌نوعان خود می‌کوشد. دعوت به دوستی و همدلی و نفی کینه‌توزی، مهم‌ترین پیام این ابیات است که عفیفی مطر با استفاده نمادین از رنگ قرمز با زبانی کنایی بیان می‌کند.

٢-١-٤. سبز (٢+)

رنگ سبز در آزمون لوشر جزء رنگ‌های اصلی است که از ترکیب زرد و آبی پدید می‌آید. افراد متمایل به رنگ سبز دارای شخصیتی پویا و سالم و از گرایش‌های روان‌رنجوری دور هستند. «تیپ شخصیتی سبز در عملکردشان شهودی و احساسی هستند. کارکرد اصلی ذهن آن‌ها در نیمکره راست مغزشان است. در بیان رأی و نظر خود راحت هستند. به دنبال تأیید و روابط اجتماعی انرژی‌زا هستند.» (ریتبرگر، ۱۳۹۰، ۳۵ و ۳۴) این رنگ مفهوم امید و مثبت‌اندیشی را به ذهن القا می‌کند. رنگ سبز پس از قرمز، دومین رنگ در اشعار شاعر است و بیشتر در مضامین ملی‌گرایانه بازتاب می‌یابد و نوعی حس امید و نشاط را در آینده تداعی می‌کند. آرامشی که در رنگ سبز است، آن را تبدیل به بهترین ابزار برای بیان احساسات می‌کند.

آزاداندیشی یکی از بزرگ‌ترین آرمان‌های شاعر است. روحیه عدالت‌طلبی وی را به تلاشی پیوسته برای رسیدن به آزادی بیان وامی‌دارد. او در تعبیری آزادی را مهمان خود و مصریان می‌داند و با قدرت استعاره آن را بسان انسانی زیبارو و پر انرژی می‌داند و حس شادکامی را به انسان انتقال می‌دهد. مصریان زجر دیده در انتظار این مهمان عزیز هستند تا آن‌ها را از چنگال استبداد برهاند و پویایی همگانی در جامعه به وجود آورد: *وَيَا ضَيْفَنَا .. أَهْهَا الْأَخْضَرُ الْوَجْهَ وَالصَّوْتُ .. / أَقْبِلْ إِلَيْنَا، / فَمَا زَالَ فِي الْأَرْضِ مِنْ رِيحِ الطَّيِّبِ / وَفِينَا عُرُوقُ انْتِظَارِ / وَفِي الْقَمَحِ مِنْ صَوْتِكَ الْخَصْبِ عَرَقُ اخْضِرَارِ* (عفیفی مطر، ۱۹۹۸، ۱ / ۳۸۲). ترجمه: (ای مهمان ما... ای کسی که چهره و نوایی سبز داری... به سوی ما بیا، پیوسته زمین بوی خوش تو با خود دارد و در ما رگ‌های انتظار است و با صدای بارور تو، رگ سرسبزی در گندم تولید می‌شود). در این ابیات شاعر از دو لفظ «الأخضر» و «الاخضرار» برای مضامینی که مدنظرش است بهره می‌برد. با دقت در ارتباط معنایی دو لفظ با واژگان «ریح»، «انتظار»، «الخصب» هدف اصلی شاعر توصیف آینده مصر و امید به اصلاح اوضاع نابسامان و برقراری آزادی نسبی، متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی است. ترکیب واژگان و هم‌نشینی آن با الفاظ رنگ سبز چارچوب اندیشگانی و شخصیت مقاوم و میهن‌دوستی شاعر را بازگو می‌کند.

رنگ سبز در خود نوعی آرامش و طمأنینه ذخیره دارد و در فرهنگ‌های دینی مختلف به‌ویژه دین اسلام از جایگاه معنوی بسیار بالای برخوردار است و در بیشتر اماکن مذهبی می‌توان ردپایی از رنگ سبز را مشاهده کرد. در مضمونی اجتماعی عفیفی مطر به توصیف

اوضاع نابسامان اقتصادی مصر و شرایط بحرانی و فلاکت‌بار معیشت مردم می‌پردازد. وی مردم فقیر و گرسنه‌ای را نشان می‌دهد که برای بهبود اوضاع از حکومت ناامید شده‌اند و تنها به رحمت الهی و امداد غیبی امید بسته‌اند. عقیقی مظهر لحنی عارفانه و مقدس به شعرش بخشیده و مردم مصر را مردمی باایمان می‌داند که به عطوفت و محبت خداوند چشم دوخته‌اند و صدایی از غیب ندا می‌آورد که با شادی کودکان خداوند نیز لبخند می‌زند و شاد می‌شود. شاعر برای اینکه اثرگذاری این صدای غیب را بر روح و روان خواننده بالا ببرد از رنگ سبز و آرامش و اثرات روحانی آن کمک می‌گیرد: «وَيَقُولُ مَسْحُورًا لَنَا: «اللَّهُ يَضْحَكُ حِينَ يَبْتَسِمُ الصَّغَارِ» / اللَّفْظَةُ الْخَضْرَاءُ مَا زَالَتْ تَرْنُّ بِلا انقطاع (همان، ۹۴). ترجمه: (مسحور و مبهوت به ما می‌گوید: بی‌شک خداوند لبخند می‌زند، وقتی که کودکان می‌خندند. این لحن و تن صدای سبز، همچنان بدون وقفه، طنین می‌افکند).

در این بیت شاعر به شیوه مستقیم و با آوردن لفظ «الخضراء» به رنگ سبز اشاره می‌کند، ولی با توجه به مفهوم کلی بیت، می‌توان افزون بر معنای حقیقی این لفظ، معانی ثانوی نیز از آن برداشت کرد. معنای ضمنی این بیت، تربیت دینی شاعر و امید به گشایش با توکل بر قدرت بی‌پایان خداوند است و گوشه‌ای از شخصیت متین و معتقد شاعر را نشان می‌دهد که مردم را به صبر و توکل بر خداوند در سختی‌ها توصیه می‌کند.

مجموع معانی ثانویه رنگ‌های قرمز و سبز موقعیت ترجیح شدید این رنگ‌ها را نشان می‌دهد و وضعیت اول یعنی قرمز هدف‌های مطلوب او همچون برقراری عدالت اجتماعی، آزادی بیان، از بین رفتن فقر و تبعیض و ایجاد دموکراسی است و این رفتارها در قالب میهن‌پرستی، تعصب، شهادت، مبارزه با ظلم و فساد و شهادت‌طلبی در راه وطن نمود می‌یابند. وضعیت دوم با رنگ سبز دربرگیرنده هدف واقعی مظهر در زندگی است و عشق، و عواطف انسانی او، محبت و همراهی با مردم را شامل می‌شود. تلاش برای داشتن یک زندگی عاطفی سالم و تقویت روحیه امید در مردم و کمک به رشد تفکر انتقادی از اهداف واقعی شاعر است. رنگ سبز عشق پاک، مقاومت، نفی نومیدی، اصلاح‌جویی و خیرخواهی را بازتاب می‌دهد. گروه اول آزمون لوشر توصیفی از جهان شاعر و ساختار شعرش در جوانی است که به اقتضای شرایط روحی این دوره، آمیزه‌ای از رویکرد رمانتیک و روحیه انقلابی و مصمم اوست که خالی از خشم و اعتراض نیست.

٤-٢. گروه دوم متشکل از سیاه و زرد (٧×٤)

٤-٢-١. رنگ سیاه (٧×)

سیاه یکی از پرکاربردترین رنگ‌ها در زندگی انسان و طبیعت است و در آزمون لوشر جزء رنگ‌های فرعی به شمار می‌رود و «سیاه، تیره‌ترین رنگ‌هاست و بیانگر فکر پوچی و نابودی است. سیاه، به عنوان نفی‌کننده خود، نشانگر ترک علاقه، تسلیم یا انصراف نهایی است» (لوشر، ۱۳۹۲، ۹۷). احساسات متناقضی را در انسان برمی‌انگیزد و بیشتر دربرگیرنده نکات منفی و افکار دلهره‌آور است. «سیاه، اسم مفهومی است که معنای نمادینی دارد، چرا که هم بر خود و هم بر دایره وسیعی از معانی ضمنی دلالت می‌کند که می‌تواند جانشین آن شود مانند: ظلم، جهل، استبداد، غفلت و غیره» (سلاجقه، ۱۳۸۴، ۱۸۶).

این رنگ با بسامد بالا و باتوجه به رویکرد اعتراضی اشعار عذیفی مطر، بیشتر در مضامین انتقادی به کار می‌رود. او با توصیف فضاهای تاریک و مملو از ظلمت، خفقان حاکم را بر مصر نشان می‌دهد و با بار معنایی نهفته در رنگ سیاه به موشکافی مسائل اجتماعی و معیشتی و فساد سیاسی حاکمان می‌پردازد.

عذیفی مطر در توصیف فضاهای تاریک هنرمندانه عمل می‌کند و از صنایع بلاغی در جهت تصاویر متناسب با محیط‌های تاریک به خوبی کمک می‌گیرد. او در بسیاری از اشعارش به شکلی نمادین از رنگ‌ها استفاده می‌کند و فضای خفقان‌آور و مستبدانه حاکم بر مصر را با زبان شعر به نمایش می‌گذارد. خورشید در عالم واقع و زبان عامه، منشأ نور و روشنایی است و جهان با پرتو خورشید از چمبره تاریکی شب‌رهایی می‌یابد. اما در جهان شعر شاعر، خورشید و روشنایی‌اش معنایی خیال‌انگیز و هنری و مغایر با معنای رایجش می‌یابد: فَلَا أَرَى الشَّمْسَ، / وَلَا أَرَى النَّخِيلَ وَهِيَ / تَسْكُبُ الظِّلَّالَ فِي مَسَارِبِ الْأَصِيلِ (مطر، ۱۹۹۸، ۱/ ۱۷). ترجمه: (نه خورشید را می‌بینم و نه نخل را، گویی خورشید، سایه‌ها را بر مجراها و گستره غروب می‌ریزد).

عذیفی ضمن عدول از معنای عادی خورشید با آوردن ادات نفی «لا» بر سر افعال مضارع، مفهوم روشنایی را از خورشید گرفته و بار معنایی متناسب با حال و هوای خود و فضای ملتهب مصر برای آن بارگذاری کرده و آن را به گونه‌ای توصیف می‌کند که به جای تابش نور، سایه و تاریکی را بر همه جا می‌گستراند. این فضای مملو از سیاهی، از یک سو ترسیمی از فضای تاریک زندان و بیانگر اندوه اوست و از سوی دیگر جلوه‌ای از جهان بیرون و فضای پر

از استبداد حاکم بر مصر است و حس بدبینی و اندوهی را که به علت وضعیت بد کشور بر شخصیت شاعر حاکم شده توصیف می‌کند.

غم غربت یکی از مضمون‌هایی است که در شعر عفیفی مطر بسیار رخ می‌نماید. او به موجب جسارت و صراحت کلامش بارها به زندان می‌افتد و تبعید می‌شود و میل بازگشت به وطن در او زبانه می‌کشد. این درد دوری، دنیا را پیش چشمان او تاریک و زشت می‌کند و هیچ روزنه‌ای در این تاریکی محض وجود ندارد تا شاعر به آن دل‌خوش باشد و از درد جانکاه غربت بکاهد. شاعر برای توصیف اندوه و حسرتش، از عنصر رنگ کمک می‌گیرد و میان سیاهی ناشی از تاریکی شب و ظلم و خودکامگی حکومت پیوند معنایی ایجاد می‌کند. عفیفی مطر با قدرت خیال خود و با به کارگیری استعاره‌های مکنیه ناب و بکر، فضاهای تاریک را تبدیل به موجودات و پدیده‌های جاندار می‌کند که او را احاطه می‌کنند. وی با این جان‌بخشی بر شدت ترس ناشی از سیاهی و ظلمت می‌افزاید و خواننده را در برابر تصویری اضطراب‌آور قرار می‌دهد و از طریق این تصویر شعری ترسناک و در عین حال زیبا و هنرمندانه، احساسات درونی و روح آزاده خود را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد: وَأَيَّادُ تَمْتَدُّ مِنَ الظُّلُمَةِ فِي الدَّرْبِ / تَعْتَصِرُ الشَّمْعَةَ، وَالرَّيْحُ الْمَجْنُونَةُ تَعْوِي فِي / لَيْلِ الْأَرَصِفَةِ السَّوْدَاءِ (همان، ۲۷۷). ترجمه: (چه بسیار دستانی که از میان تاریکی به سوی در دراز می‌شود و شمع را می‌فشارند و باد مجنون در شب پیاده‌روهای سیاه زوزه می‌کشند).

در مصرع اول شاعر به شکل غیرمستقیم و بدون ذکر رنگ سیاه، سیاهی حاکم بر فضا را توصیف می‌کند و در عبارت «تَعْتَصِرُ الشَّمْعَةَ» نیز با کمک استعاره مکنیه و زبان مجاز این تاریکی و نبود نور و روشنایی را به شکلی هنرمندانه و ضمنی بیان می‌کند. در بخش پایانی نیز با استفاده از ترکیب وصفی «الْأَرَصِفَةُ السَّوْدَاءُ» و همچنین هم‌نشینی آن با واژه «اللیل» به شکل مستقیم به رنگ سیاه اشاره می‌کند و تاریکی که بر همه جا سایه انداخته را با نوعی مبالغه توصیف می‌کند. این واژگان و عبارت‌هایی که بر رنگ سیاه دلالت دارند سطح ظاهری کلام هستند و به عنوان سرنخ‌ها و رمزهایی عمل می‌کنند و پیام اصلی شعر یعنی نبود آزادی و سیطره خفقان و روح استبداد بر جامعه مصری را بازگو می‌کنند.

٤-٢-٢. رنگ زرد (×٧)

رنگ زرد جزء رنگ‌های اصلی و پرتعداد و شاد به حساب می‌آید و «سمبلی برای روح، آزادی و استقلال است. افکاری را به انسان تلقین می‌کند که بیشترین تأثیر را بر نیروی خوددرمانی می‌گذارد» (دودانگه، ۱۳۸۷، ۱۹ و ۱۵). «تیپ‌های شخصیتی زرد در عملکردشان شهودی و فکری هستند و کارکرد اصلی ذهن آن‌ها هر دو نیمکره راست و چپ مغز قرار دارد. چنین شخصیت‌هایی، متفکرانی تحلیل‌گر و ادراکی هستند. حساسیت شدید آن‌ها نسبت به خود و نیازشان به استقلال و آزادی، شناخت آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد» (ریترگر، ۱۳۹۰، ۳۴؛ بزرگی، ۱۳۹۴، ۲۸). این بدان معناست که نوعی رقابت‌جویی، پرکاری و دقت در عمل در شخصیت‌های متمایل به رنگ زرد وجود دارد.

رنگ زرد در شعر مظهر کاربرد زیادی دارد؛ ولی از آنجا که جهان شعر با جهان واقعیت متفاوت است، رنگ زرد نیز بار معنایی متناقض به خود می‌گیرد و افزون بر معنای مثبت، بار معنایی منفی کسب می‌کند. در اشعار شاعران رمانتیک رنگ زرد کاربرد بیشتری دارد؛ زیرا از یک سو معنای عشق و عواطف پویای انسانی را در ذهن تداعی می‌کند و از سوی دیگر معنای خزان و ضعف و جدایی را به خواننده انتقال می‌دهد. در هر صورت بارگذاری معانی مختلف و متناقض برای رنگ زرد توسط شاعر انجام می‌گیرد و این امر به نوع شخصیت شاعر بستگی دارد. رنگ زرد چهارمین رنگ پربسامد در اشعار عفیفی مظهر است که در شعر و تفکر وی بار معنایی کاملاً متفاوتی نسبت به معنای رایج آن پیدا کرده و بیشتر بار معنایی منفی را تداعی می‌کند و حس شکست، ضعف و پیری، مرگ، نومیدی، تشاؤم و نحسی را به مخاطب انتقال می‌دهد. عفیفی مظهر از این رنگ بیشتر برای بیان مضمون‌های انتقادی خود و توصیف فضای ملتهب و نامساعد مصر و وضعیت روحی مردم بهره می‌برد. او مردم مصر را توصیف می‌کند که چهره آن‌ها همگی زرد و رنگ‌پریده است و هم سر در گریبان فرو برده و اندوه و دل‌مردگی در رخسارشان هویداست. این زردی رنگ رخسار مصریان، از غم سنگینی حکایت دارد که بر دل و روح آن‌هاست و چنان آن‌ها را مغموم و بی‌انگیزه کرده که گویی هیچ احساس و هیجانی در وجودشان نیست و مرده‌های متحرکند: *أَهْ لَوْ يَهْرَبُ الْكَوْكَبُ الرَّخْوُ / لَوْ يَرْضَعُ الْكَوْكَبُ الْطِفْلُ تُدَى الصَّوَارِي الْمَمِيتِ / هُنَا كَانَ بَدَأَ الْحَوَارِ الْعَمِيقِ / وَلَكِنْ ظَهَرِي انْحَنَى فِي مَقَاهِي النَّهَارِ / تَلَصَّصَتْ حَتَّى أَرَى أَوْجَهَ الْإِصْفَرَارِ / وَفِي السُّوقِ، فِي كُلِّ مَقَهَى عَيُّونٌ تُرَابِيَّةٌ*

(مطر، ۱۹۹۸، ۱ / ۱۷۵). ترجمه: (آه ای کاش ستاره ضعیف و بی‌حال فرار کند و ستاره کوچک از سینه مرده گله گاوها شیر بخورد. اینجا آغاز گفتگوی عمیق است. پشت من در قهوه‌خانه‌های نیم‌روز خم شد، دزدانه در پی دیدن چهره‌های زرد بودم و در بازار و قهوه‌خانه‌ها، چشم‌های خاکی وجود داشت).

در این ابیات شاعر به شیوه‌ای مستقیم و با آوردن لفظ «اصفرار» از رنگ زرد استفاده می‌کند. مفهوم متن به گونه‌ای است که می‌توان هم معنای حقیقی و هم معنای مجازی و دور را از لفظ «اصفرار» استنباط کرد، ولی معنای دور و مدنظر شاعر دیدگاه انتقادی او نسبت به فلاکت و بدبختی است که جامعه مصر را درگیر خود کرده و کرامت انسانی را از مصریان گرفته و روحیه امید از بین رفته و سایه نحس مرگ و نیستی بر همه جا سیطره یافته است. از خلال چنین تصویر شعری می‌توان نومیدی شاعر را نسبت به وضعیت اسفناک سرزمینش مشاهده کرد که با نوعی بغض و بدبینی تلخی آمیخته شده است.

در شعر عفیفی مطر رنگ زرد جایگزین برخی معانی همچون پیری و فرتوتی، کسالت و ضعف، نومیدی و افسردگی است. او در دوران پیری یاد دوران خوش جوانی می‌افتد و به نوعی آرزوی بازگشت به آن دوران را در دل می‌پروراند. در تعبیری زیبا دوران ضعف و پیری را که قدرت جسمانی‌اش کاهش یافته و رنگ رخسارش زرد شده و آن بشاشی و نشاط پیشین را ندارد به سال‌های زرد تشبیه می‌کند: *أُنْسَى الْأَيَّامَ الصَّفْرَاءَ / وَيَعُودُ صَبَايَ يُرِنُّهُ عِطْرُ الْمَآنِجُو* (همان، ۸). ترجمه: (روزگار زرد را فراموش می‌کنم و دوران جوانی‌ام بازمی‌گردد و عطر میوه مانجو(انبه) آن را سرمست می‌کند).

شاعر در این بیت لفظ «الصفراء» را ذکر می‌کند و به صورت مستقیم به رنگ زرد اشاره می‌کند. ترکیب «الصفراء» با واژه «الأيام» که امری معنوی و غیرملموس است، در زبان معیار امری غیرعادی تلقی می‌شود و برای خواننده عامه نامفهوم و غیرمنطقی جلوه می‌کند. معنای حقیقی رنگ زرد بر نوعی ویژگی حسی و جرم بودگی دلالت می‌کند و این با مفهوم مجرد و انتزاعی «الأيام» در تناقض است. شاعر زیرکانه و آگاهانه این ترکیب نامأنوس را به کار برده و ذهن خواننده را به ژرف‌ساخت معنای متن هدایت کرده و مقصود خود را که همان گلایه از حالت بیمارگونه دوران پیری است، با زبانی استعاری و پوشیده بیان می‌کند. این بیت اندوه شاعر و افسوس او نسبت به دوران جوانی را به تصویر می‌کشد و زندگی انسان را ناپایدار و فانی می‌داند.

از مجموع زوج دو رنگ سیاه و زرد چنین می‌توان استنباط کرد که این دو رنگ منطقه ترجیح عادی یک رنگ را نشان می‌دهد. این دو رنگ در اشعار غنایی مطر وضع موجود در کشور مصر را بیان می‌کند و نشانگر وضع واقعی امور است که بر زندگی اجتماعی و سیاسی مردم مصر حاکم است. رفتار مناسب با این وضعیت نیز در قالب بدبینی، نگرانی و بغض و خشم غنایی مطر جلوه می‌کند. بازتاب رنگ سیاه و زرد در واقع وضعیت طبیعی جامعه مصری است، نه آن وضعیت مطلوبی که غنایی برای مردم مصر می‌خواهد. از خلال معانی ثانویه رنگ‌های سیاه و زرد، شخصیت سرخورده، ناکام، مأیوس و درمانده غنایی مطر نمایان می‌شود که وضعیت طبیعی و واقعیت اجتماعی مصر در تضاد با هدف مطلوب و آرمان‌های او قرار می‌گیرد. البته با توجه به روحیه شکست‌ناپذیری، سلحشوری و شجاعت شاعر، این اندوه و حس شکست گویی پایدار نیست و گروه اول بر گروه دوم برتری می‌یابد و او همیشه به گشایش امور و بهتر شدن اوضاع در مصر امیدوار می‌ماند.

۳-۴. گروه سوم (۰=۱)

۴-۳-۱. رنگ خاکستری (۰=)

خاکستری، نه تیره است و نه روشن. خنثی است، نه ذهنی است، نه اضطراب آفرین و نه آرام‌بخش. فاقد حیطه و قلمرو بوده و فقط یک رمز است (لوشر، ۱۳۹۲، ۷۵). خاکستری رنگی مستقل نیست و معمولاً از ترکیب رنگ سفید و سیاه پدید می‌آید. «برخی از روان‌شناسان بر این باورند که گرایش به این رنگ نشان‌دهنده این است که شخص زیر فشارهای بیرونی له شده است و محتاج آرامش است» (دی و تایلور، ۱۳۸۷، ۹۹). چنین رنگی با هیجان و نشاط بیگانه است و می‌توان گفت به نوعی بر حالتی از خنثایی دلالت می‌کند. غنایی مطر شاعری دردآشناست و در طول زندگی با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کرده و غم غربت و دوری از وطن و رنج فقر و گرسنگی را چشیده است. روح و روان او، خسته از زخم‌های بی‌شمار و عمیقی است که روزگار بر او وارد کرده است. روح درمانده و آزردۀ شاعر، در قالب عبارات شعرش بازتاب می‌یابد. خاکستر بر نیستی و نابودی دلالت می‌کند و نوعی حس بدبینی نسبت به اصل زندگی را در انسان ایجاد می‌کند. غنایی مطر در تعبیری زیبا و با استفاده از یک جسم پنداری، روحش را که امری انتزاعی و غیرملموس است به خاکستر تشبیه کرده که پدیده‌ای جرم‌دار و ملموس است و دارای شکل و رنگ خاصی است: لَو خَائَتِ جَسَدِی الْعَارِی

عَيْنُ اللَّيْلِ / فانسَكَبَتْ رُوحِي عَبْرَ الْجُرْحِ - رَمَادًا / لَا يَخْضِرُ وَلَا تَحْمِلُهُ الرِّيحُ ... (مطر، ۱۹۹۸، ۱ / ۳۶۳). ترجمه: (اگر چشم شب به جسم برهنه من خیانت کند، روحم از گذر زخم‌ها، خاکستری می‌پاشد که نه سبز است و نه باد آن را با خود می‌برد).

در این ابیات، شاعر به صورت غیرمستقیم با آوردن لفظ «رماد» رنگ خاکستری را به کار می‌برد. خاکستر، نماد بی‌ثمری و خشتی بودن است و عفیفی مطر که دچار یأس و افسردگی شده، از بار معنایی که در رنگ خاکستری وجود دارد، کمک می‌گیرد و شخصیت رنج‌دیده و اندوهگین خود را با زبانی مجازی و خیال‌انگیز ترسیم می‌کند.

عفیفی مطر در دورانی زندگی می‌کند که لبریز از حوادث سیاسی زیادی است و در مصر کودتاها و قیام‌های متعددی شکل می‌گیرد و مصر که در برهه‌ای از زمان، مقتدرترین حکومت عربی بود، تبدیل به کشوری ضعیف و از هم گسیخته می‌شود که استعمارگران در آن جولان می‌دهند. شاعر برای اینکه با زبانی ادبی این پس‌رفت و ضعف مصر را بیان کند، از آرایه‌های ادبی و عنصر رنگ کمک می‌گیرد. وی مصر را به زمینی فرسوده تشبیه می‌کند که چیزی جز خاکستر در آن نمی‌روید. خاکستر مفهوم بی‌ثمری را به ذهن انتقال می‌دهد و شاعر با هم‌نشینی آن با فعل رویدن که بر رشد و پیشرفت و آبادانی دلالت دارد، پارادوکسی هنری و زیبا پدید می‌آورد: أَرَى طِينَةَ الْأَرْضِ شَاخَتْ فَلَا تُنْبِتُ الْآنَ غَيْرَ الرَّمَادِ (همان، ۲۰۳). ترجمه: (گل و خاک این زمین را می‌بینم که پیر و فرتوت شده و چیزی جز خاکستر نمی‌رویانند).

در این بیت نیز شاعر به شیوه‌ای غیر مستقیم و با ذکر واژه الرَّمَاد رنگ خاکستری را به کار می‌برد. واژه الرماد لایه بیرونی متن است و دارای معانی ثانویه فراوانی است. در ورای کلمات این بیت، اندوه و نومیدی شاعر به خاطر نابسامانی اوضاع کشور پنهان شده و در واقع تصویری از شرایط بحرانی مصر است. رنگ خاکستری به خوبی نومیدی و دل‌مردگی شاعر را توصیف می‌کند.

۴-۳-۲. رنگ آبی (۱=)

یکی از محبوب‌ترین رنگ‌ها، آبی است. «رنگ آبی‌ای که لوشر در تست‌های خود به کار می‌گیرد، رنگ آبی دریایی تیره است. رنگ آبی باعث می‌شود که انسان به خود و احساساتش بیندیشد. نمایشگر آرامش کامل است و اثری آرام‌بخش بر سیستم مرکزی اعصاب می‌گذارد. در

روایات سنسکریت آمده است که آبی تیره مناسب‌ترین محیط را برای تفکر به وجود می‌آورد» (لوشر، ۱۳۹۲، ۷۵-۷۴؛ گامینگ و ایتالیانو، ۱۳۸۴، ۲۳). این رنگ آرامش و قدرت را تداعی می‌کند.

رنگ آبی با وجود این‌که از رنگ‌های اصلی به شمار می‌آید، ولی در شعر عقیفی مطر بازتاب زیادی ندارد. او از این رنگ بیشتر در موضوعات و مسائل سیاسی و اجتماعی بهره برده است. شاید یکی از عوامل به کارگیری کمتر این رنگ از سوی عقیفی مطر، به شخصیت انقلابی او و شرایط متشنج مصر در دوران حیاتش برگردد. مضمون‌های شعری وی بیشتر پیرامون مسائل سیاسی و مقاومت و مبارزه‌طلبی است و با نوعی هیجان همراه بوده و از رویکردی انتقادی و صبغه‌ای اعتراضی برخوردار است و این با ماهیت و خصوصیات رنگ آبی در تضاد و ناسازگاری قرار دارد. عقیفی مطر اگرچه در برخی مضمون‌ها رنگ آبی را نمادی از امیدواری قرار می‌دهد و با آن روحیه زندگی را در مصریان تقویت می‌کند. وی برای ترسیم حال و هوای کشورش از طبیعت اطرافش کمک می‌گیرد و از پدیده‌های طبیعی همچون شب و رنگ آبی افق و کرانه آسمان برای مضمون‌پردازی شعرش استفاده می‌کند. او هرچند از شرایط کنونی سرزمینش دلگیر است و اندوهی ژرف بر روح و روانش سنگینی می‌کند، از بهبود اوضاع ناامید نمی‌شود. وی برای توصیف چنین فضای دوگانه، از رنگ آبی نیلی یا آسمانی بهره برده و زمان پایان شب و آمدن روز و آشکار شدن رنگ آبی آسمان را توصیف می‌کند. این تغییر و تحول رنگ آسمان شب و روز، معنایی نمادین از دگرگونی اوضاع و احوال زندگی و جهان، و نشانه‌ای از ناپایداری هر چیزی روی زمین است. شاعر با این تغییر و تحول، تلنگری به مردم محزون مصر زده و به آن‌ها یادآور می‌شود که ظلم و تاریکی موقتی است و باید امید به گشایش داشت: سَأَخْرُجُ آخَرَ اللَّيْلِ / لِرَجْعِ طِينَةٍ وَأَذُوقَ طَعْمِ تَحَوُّلِي، وَأَصِيرَ جُمَيْرَةً / أَرَى الْغَيْطَانَ تَشْرِبُ زُرْقَةَ الْأَفْقِ / وَأَمْلَأُ أَفْرَعِي مِنْ طَيْرِهَا اللَّيْلِي وَالْأَثْمَارِ / أَمْدُ يَدَيَّ أَحْضَنُ أَوْجَةَ الرِّيحِ / وَأَنْتَظِرُ الصِّغَارَ السَّمَرَ فِي الصُّبْحِ / أَعْلَمُهُمْ غِنَاءَ الْأَرْضِ وَالْأَشْجَارِ... (مطر، ۱۹۹۸، ۱ / ۳۹۰). ترجمه: (آخر شب بیرون خواهم رفت، تا دوباره به حالت گل بودنم برگردم و مزه دگرگونی را بچشم و تبدیل به جمیزه (نوعی انجیر) شوم. کشتزارها را می‌بینم که آبی نیلگون کرانه آسمان را می‌نوشند و من شاخه‌هایم را از پرندۀ شب و میوه‌ها پر می‌کنم، دستانم را دراز می‌کنم و چهره باد را به آغوش می‌کشم و بامداد چشم به راه کودکان گندمگون می‌ایستم تا ترانه زمین و درختان را به آن‌ها یاد دهم...).

پیام اصلی این شعر، دعوت به بیداری و کنار گذاشتن افسردگی و دل‌مردگی و تقویت حس نشاط و امیدواری و رخ دادن حوادث خوب در آینده است. این ابیات، بخشی از شخصیت شاعر را در برهه‌ای از زمان به تصویر می‌کشد که در آرامش و انبساط خاطر به سر می‌برد و گویی آن تب و تاب انقلابی شاعر فرو کاسته است.

مسأله زن و آزادی و ارزش وجودی آن در جامعه مصر از جمله موضوعات مهمی است که در شعر عفیفی مطر جلوه پیدا می‌کند. مصر پس از برخورد با فرهنگ غربی دچار تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی بسیاری می‌شود و تقابل سنت و مدرنیته، باب جدیدی از فرهنگ را می‌گشاید. در این میان با وجود ظهور تحولات گسترده، زنان از اثرات این دگرگونی‌ها چندان بهره‌مند نمی‌شوند و نظام مردسالار همچنان زن را از ظاهر شدن در عرصه‌های مختلف جامعه منع می‌کند. عفیفی مطر جزء نواندیشانی است که نسبت به آزادی زن دیدگاهی متعادلی داشت و رویکردی تلفیقی از تعالیم اسلامی و دیدگاه‌های غربی در قبال مسأله زن به کار بست. او برای ترسیم وضعیت زن در جامعه سنتی مصر فضایی را به کمک عناصر طبیعت همچون ابر، دریا و موج می‌آفریند و با استفاده از اغراض و معانی ثانوی رنگ آبی، تنگنایی را که زنان مصری در آن گرفتار آمده‌اند نشان می‌دهد: وَفِي عَيْنَيْكَ حَطَّ الرُّعْبُ وَالْغَيْمُ / تَنْتَظِرِينَ صَوْتًا أَوْ صَدَى يَأْتِي / بِمَا فِي الْبَحْرِ مِنْ سُفْنٍ / بِمَا فِي الْمَوْجِ مِنْ زُرْقَةٍ / بِمَا فِي الْقَاعِ مِنْ عُشْبٍ وَمِنْ أَحْجَارٍ (همان، ۳۰۶). ترجمه: (در چشمانت، ترس و ابر فرود آمدند و تو هم‌چنان چشم به راه می‌مانی و چشم به راه صدایی یا پژواک صدایی می‌مانی که با کشتی‌های دریا می‌آید و با آبی نیلگون امواج آب دریا می‌آید و با گیاهان و سنگ‌های کف اقیانوس می‌آید).

شاعر در این ابیات از رنگ آبی به شکلی مستقیم بهره برده و لفظ «زُرْقَه» به معنای آبی آسمانی را ذکر کرده است. آبی در این بیت معنای حقیقی‌ای قابل ادراک است و می‌توان معنای نزدیک و حسی آن را استنباط کرد، ولی با دقت در عبارات این شعر متوجه می‌شویم که شاعر مفهومی عمیق‌تر در پسِ واژه «زُرْقَه» پنهان کرده است. بیشتر واژگان این شعر کارکردی دلالتی و نمادین دارند و مجموع آن‌ها و ارتباط معنای میانشان به کشف مقصود اصلی شاعر منجر می‌شود. دریا نمادی از آزادی و رهایی از استبداد، و امواج آن نمادی از شور زندگی و امید و حرکت است و صدای مبهم و ناشناخته، نمادی از نیروی عظیم عزم و اراده زن است که او را

به مطالبه‌گری و جسارت وامی دارد. رنگ آبی دریا نیز اندیشه و باور مثبت به تغییر اوضاع بد کنونی زنان و دست‌یابی آنان به عدالت اجتماعی و برابری است.

مجموع دو رنگ خاکستری و آبی در اشعار عفیفی مطر وضعیت پنجم و ششم در آزمون لوشر را نشان می‌دهد که ناحیه بی تفاوتی نسبت به یک رنگ را بیان می‌دارد. مجموعه رفتاری غالب بر شخصیت عفیفی مطر همان روحیه منتقدانه، معترض و جنجالی است که همیشه با چالش‌های متعدد روبه‌رو می‌شود و این شخصیت ناآرام گاهی چنان تحت فشار قرار می‌گیرد که به یک سوپاپ اطمینان برای روح و روان و شخصیتش نیازمند می‌شود. در نتیجه گاهی بنابر نیاز درونی به احساساتی همچون عشق، اندوه و صبر و دوری از بی‌تابی و خشم روی می‌آورد. رویکرد او نسبت به این احساسات پررنگ نیست و نوعی بی تفاوتی در آن دیده می‌شود که پاسخی است به روح سرکش و عصیانگر او که نمی‌خواهد از حرکت و کوشش پیوسته بایستد.

٤-٤. گروه چهارم زوج رنگ قهوه‌ای و بنفش (٥-٦-)

٤-٤-١. رنگ قهوه‌ای (٦-)

قهوه‌ای یکی از رنگ‌های فرعی است و «در آزمون لوشر، ترکیبی از زرد و قرمز تیره است. انرژی و شور و نشاط غیرارادی زندگی که در رنگ قرمز موج می‌زند، در اینجا کاهش یافته و دل‌مردگی و تسلیم به سیاهی، جایگزین آن شده است. رنگ قهوه‌ای فاقد انگیزه و نیروی حیاتی رنگ قرمز است» (لوشر، ١٣٩٢، ٩٥). می‌توان گفت که در رنگ قهوه‌ای، حالتی از خنثایی وجود دارد و احساسات هیجانی شخص فروکش می‌کند.

قهوه‌ای جزء کم بسامدترین رنگ‌ها در اشعار عفیفی مطر است که با سه مورد در رتبه هفتم قرار می‌گیرد. زیرمجموعه آن رنگ حنایی است که دو مورد از سه مورد رنگ قهوه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. ویژگی اصلی رنگ قهوه‌ای و زیرمجموعه آن این است که در هر سه مورد در کنار دیگر رنگ‌ها می‌آیند و در اینجا سعی می‌شود که نمونه شعری آورده شود که تنها یک رنگ دیگر یعنی رنگ خاکستری با آن ذکر شود. این رنگ در اشعار عفیفی مطر بیشتر در مضمون عاشقانه بازتاب می‌یابد و متناسب با فضای فکری شاعر احساس آرامش و سکون و ایستایی را به مخاطب القا می‌کند. در یکی از مضمون‌های عاشقانه عفیفی مطر فضایی کاملاً رمانتیک را توصیف می‌کند که در آن عناصر مختلف طبیعت صامت جلوه‌گری می‌کنند و تصویری آمیخته از تاریکی شب و روشنایی نور ماه و ستارگان پدید می‌آورد که در آن هیچ

انسانی غیر از عاشق و معشوق نیمه‌خیالی وجود ندارد: خَضَابُ الْعَرَسِ فَوْقَ يَدَيْهِ قُبْرَةُ مَسَائِيهِ / وَقَنْدِيلٌ عَلَى بَوَابِهِ الْأَرْضِ الرَّمَادِيَّةِ / وَفِي قَدَمَيْهِ وَشَمٌ حَمَامَةٍ بَرِيَّةٍ تَهْتَزُّ فِي أَفْقٍ مِنَ الْحَنَاءِ / وَفِي جَنْبَيْهِ سَاقِيَةُ الْمَوَاوِيلِ / تَصْبُ غَنَائِهَا الطِّينِي مُرْتَعِشاً عَلَى أَهْدَابِ قَنْدِيلٍ / فَتُسْقِيهِ عَصِيرَ الطَّمِي وَالْأَضْوَاءِ / فَتَخْرُجُ فِي انْتِصَافِ اللَّيْلِ جَنِيَّةٌ / تَشْمُ الْعُشْبَ فَوْقَ الشَّطِّ، تَمْسَحُ شَعْرَهَا / بِالضَّوِّ وَالْكَافُورِ / وَتَحْتَ قَمِيصِهَا نَهْدَانِ مِنْ ذَهَبٍ وَمَرْجَانٍ (مطر، ۱۹۹۸، ۱ / ۳۹۱). ترجمه: (حنای عروس روی دستانش چکاوکی شبانه و چراغی بر روی آستانه زمین خاکستری است. در پایش خال کبوتر صحرا است که در افقی حنایی به پرواز درمی‌آید و در پهلوهایش خواننده مواویل (سروده‌های غمگین در مراسم تدفین) است که ترانه گلی‌اش را لرزان بر روی حاشیه‌های چراغ می‌ریزد و آن را از عصا گل و نور سیراب می‌کند. در نیمه‌های شب جنی خارج می‌شود و گیاه روی رود را می‌بوید و مویش را با نور و کافور شانه می‌کند و زیر پیراهنش سینه‌هایی از طلا و مرجان است).

این تصویر سوررئال و توصیف میان خیال و واقعیت از یک فضای رمانتیک، چارچوب اندیشگانی و ساختار شخصیت عفیفی مطر را نشان می‌دهد. این تصاویر شعری را می‌توان بازتاب ناخودآگاه شاعر و عالم رؤیای او دانست که به صورت خودجوش در ذهن او سیلان می‌یابند و با ذوق و هنر خود به آن‌ها جلوه‌ای شاعرانه می‌بخشد و احساسات درونی خود را که شامل آرامش، نداشتن هیجانات قوی، اندوه رمانتیک و میل به عشق و دوست داشتن است را بیان می‌کند. این ابیات بازتابی از روح خسته شاعر از ناملایمتهای روزگار است که این‌گونه به دامن عشق و روابط عاطفی پناه می‌برد و برای اندک زمانی از آن هیاهوی دنیای واقعیت و پر از رقابت، حسادت، توطئه و ظلم و فشار و عذاب دور می‌شود. البته این بخش از ویژگی‌های رفتاری شاعر گستره وسیعی از شخصیت و احساسات او را در برنمی‌گیرد و محدود به یک برهه زمانی کوتاه است.

۲-۴-۴. رنگ بنفش (۵-)

یکی دیگر از رنگ‌های ترکیبی، بنفش است. رنگ بنفش نیز بسته به شخصیت فرد و فرهنگ حاکم بر محیط زندگی شخص، دارای بار معنایی متفاوتی است. «بنفش، رنگ هماهنگی بین عقل و احساسات و بین معنویات و مادیات است» (دی و تیلور، ۱۳۸۷، ۹۰). این رنگ در اشعار

عفیفی مطر هیچ بازتابی ندارد و با توجه به شخصیت هیجانی، انقلابی و کوشای شاعر طبیعی است که چنین رنگی در اشعار او نمود یابد.

مجموع دو رنگ قهوه‌ای و بنفش در اشعار عفیفی مطر منطقه بی‌میلی شاعر نسبت به این رنگ‌ها را نشان می‌دهد و وضعیت هفتم و هشتم آزمون لوشر را بیان می‌کند. این دو رنگ، احساسات سرکوب‌شده او همچون دوست داشتن، آسایش و میل جنسی را نمایان می‌سازد که در ناخودآگاه او ذخیره شده‌اند و اکنون با حادثه‌ای مشابه بازتولید می‌شوند. برخی از این امیال و احساسات در درون شاعر دربرگیرنده اضطراب ایمنی هستند که در شخصیت او وجود دارند و بر نوعی نیاز دلالت می‌کنند که شاید ضرورت چندانی نداشته باشند. بر این اساس عفیفی مطر چندان به این احساسات میلی ندارد و در لایه‌های زیرین شخصیت او قرار گرفته‌اند و در دوران جوانی او کمتر نمود می‌یابند، زیرا آرمان‌گرایی و گرایش ملی‌گرایانه او شخصیتش را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که اولویت او وطن، تعهد، همراهی با مردم، دلسوزی، مقاومت و پایداری، مبارزه با ظلم و ایجاد بیداری در ملت می‌شود.

نتیجه

با توجه به بسامد رنگ‌ها، رنگ قرمز بیشتر در مضمون‌های سیاسی و اجتماعی شعر عفیفی مطر بازتاب دارد و بیانگر دیدگاه انتقادی او نسبت به وضعیت معیشت مردم، فقر، فساد سران حکومت، استبداد و نبود عدالت و آزادی است. رنگ سبز بیشتر در مضمون‌های اجتماعی و ملی‌گرایانه بازتاب می‌یابد و در موضوعات عاشقانه و رمانتیک نیز نمود دارد. رنگ سیاه بیشتر بیانگر مضمون‌های انتقادی و دیدگاه شاعر در باره تبعیض، ناعدالتی اجتماعی و فاصله طبقاتی است. رنگ زرد بیشتر بیانگر مضامین اجتماعی و فقر و اختناق حاکم بر جامعه است. رنگ خاکستری دربرگیرنده موضوعات اجتماعی عفیفی مطر است که دیدگاه او نسبت به وضعیت جامعه مصری در همه ابعاد در آینده را نشان می‌دهد. رنگ آبی بیشتر در مورد مضامین رمانتیک و گاهی برای مضامین اجتماعی مانند جایگاه زن در جامعه به کار می‌رود. رنگ قهوه‌ای بیشتر برای عاشقانه‌ها و توصیف فضاهای رمانتیک بازتاب دارد و با نوعی طبیعت‌گرایی همراه است. اما رنگ بنفش در شعرش هیچ کاربردی ندارد.

- گروه اول متشکل از رنگ قرمز و سبز بیانگر موقعیت ترجیح شدید این رنگ‌هاست و در واقع اساسی‌ترین بخش ساختار شخصیت او را شکل می‌دهد و آرمان‌ها و اهداف والای او را در برمی‌گیرد و دربرگیرنده روحیه خستگی‌ناپذیر و امیدوار اوست و مجموعه‌ای از احساسات او همچون میهن‌دوستی، مردم‌داری، تعهد، پایداری، بی‌باکی را انعکاس می‌دهد. این گروه در واقع وضعیت مطلوب و هسته اصلی تفکر او یعنی صبغه‌ی انقلابی، اعتراضی و روحیه پویا و پرنشاط او را به عنوان شاعر متعهد بیان می‌کند.

- گروه دوم رنگ‌ها، نگرش منفی و بدبینانه عفیفی مطر را نسبت به دورنمای آینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جهان‌بینی واقع‌گرایانه او نسبت به واقعیت جامعه بحران‌زده مصر نشان می‌دهد و احساسات درونی او از جمله خشم، اضطراب، نگرانی و اندوه و بدبینی را به تصویر می‌کشد. با توجه به روحیه امیدواری او، دیدگاه آرمان‌گرایانه او بر نگاه واقع‌گرایانه او غلبه دارد.

- گروه سوم بیانگر موقعیت بی‌تفاوتی شاعر نسبت به این رنگ‌ها و احساساتش همچون عشق، دوست داشتن، بی‌توجهی به جامعه، برتری دادن منافع شخصی بر منافع جمعی است و به دلیل عدم همخوانی با وضعیت موجود و شخصیت متعهد و انتقادی او کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و سهم قابل توجهی از کنش‌های درونی او را دارا نیست.

- گروه چهارم نشان دهنده موقعیت بی‌میلی و انزجار شاعر نسبت به این رنگ‌ها و احساسات سرکوب شده او همچون عشق، روابط عاطفی سطحی و میل جنسی است که در تنش با رویکرد انتقادی او به عنوان یک روشنفکر و انقلابی قرار می‌گیرد. این احساسات سهم بسیار ناچیزی در شکل‌گیری ساختار شخصیت عفیفی مطر ایفا می‌کند و تأثیر چندانی بر رفتار و منش کلی او ندارد.

منابع و مأخذ

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). مبانی رنگ و کاربرد آن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
- ایتین، یوهانسر (۱۳۸۴). هنر رنگ، ترجمه عربعلی شروه، تهران، یساوولی.
- پناهی، مهین (۱۳۸۵). «روانشناسی رنگ در شعر نیما»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، جلد ۳، شماره ۱۳-۱۲، صص ۴۹-۸۳.
- چیچی نیوا، هاواکی (۱۳۹۱). هارمونی رنگ‌ها، چاپ اول، ترجمه هاشم جوادزاده، مشهد: ترانه.
- دودانگه، محرم علی (۱۳۸۷). رنگ درمانی، تهران، زرین مهر.
- دی، جاناتان، تابلور، لسل (۱۳۸۷). روان‌شناسی رنگ (رنگ درمانی)، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساوالان.
- ریتیرگر، کارول (۱۳۹۰). شخصیت شما چه رنگی است؟ ترجمه مهرداد فیروزبخت و عاطفه هوشان، تهران، ارسباران.
- سان، هوارد و دوروتی (۱۳۷۸). زندگی با رنگ، ترجمه نغمه صفاریان، تهران، حکایت.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۴). امیرزاده کاشی‌ها نقد شعر معاصر، شاملو، تهران، زمستان.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط و دیگران (۱۳۹۸). «روانشناسی تطبیقی رنگ‌ها در «سقط الزند» معری و دیوان رودکی برپایه نظریه ماکس لوشر». زبان و ادبیات عربی. دوره ۱۱. شماره ۱. صص ۲۴-۱.
- عفیفی مطر، محمد (۱۹۹۸). من مجمره البدايات، القاهرة، دار الشروق.
- گامینگ، کاترین، ایتالیانو، دבורا (۱۳۸۴). کتاب کوچ انرژی (رنگ‌های شفابخش)، ترجمه پریسا غفاری، تهران، جاجرمی.
- لوشر، ماکس (۱۳۹۲). روان‌شناسی رنگ‌ها، مترجم ویدا ابی‌زاده، چاپ یازدهم، تهران، درس.
- مای لی، ریچارد، روبرتو، پ (۱۳۸۰). ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منصور، تهران، سمت.
- معروف، یحیی، امیری، جهانگیر، خزلی، مسلم (۱۳۹۹). «دراسة سيكولوجية لشخصية أحمد عاكف في رواية "خان الخليلى" في ضوء نظرية الشخصية لـ "كارن هورناي"»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۶، شماره ۵۴، صص ۹۳-۱۱۱.
- میر صادقی، جمال (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان نویسی، چاپ اول، تهران، کتاب مهناز.
- هانت، رونالد (۱۳۷۸). هفت کلید رنگ درمانی، تهران، جمال‌الحق.

Sources and references

- Afifimatar, M. (1998). Men Majmarat al-Badayat, Cairo: Dar al-Shorouh.(in Arabic)
- Arabusefabadi, A. B, & others (2018). "Comparative psychology of colors in "Saghat al-Zand" by Moaari and Divan Rudaki based on the theory of Max Loescher". Arabic language and literature.1(11) 1-24.(in Persian)
- Ayatollahi, H (2002). Basics of color and its application, Tehran: the organization of studying and compiling humanities books of the university (Samt).(in Persian)
- Chiji E. H. (2011). Harmony of colors, first edition, translated by Hashem Javadzadeh, Mashhad: Taraneh.(in Persian)
- Iten, J (2005). Art of color, translated by Arabali Sherveh, Tehran: Yesa Vali.(in Persian)
- Maarouf, Y,& Amiri, J, Khazali, M (2019). "A psychological study of the personality of Ahmad Akif narrated by "Khan Al-Khalili" according to the personality theory of "Karen Horne", Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature. 54(16) 93-111. (in Persian)
- Mai, L. & Rijard, R. P. (2008). Construction, Emergence and Transformation of Personality, translated by Mahmoud Mansour, Tehran: Samt. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (1998). The Art of Writing Fiction Dictionary, first edition, Tehran: Mahnaz book. (in Persian)
- Rietberger, C. (2016). What color is your personality? Translated by Mehrdad Firouzbakht and Atefeh Hoshan, Tehran: Arsbaran.(in Persian)
- Selajgheh, P. (2005). Amirzadeh Kashiha, criticism of contemporary poetry, Shamlu, Tehran: Zemestan.(in Persian)
- Sun, H. & Dorothy (1999). Life with color, translated by Naghmeh Safarian, Tehran: Hekayat.(in Persian)
- Day, J. T. L. (2007). Psychology of color (color therapy), translated by Mehdi Ganji, Tehran: Savalan.(in Persian)
- Dodangeh, M. A. (2007). Color therapy, Tehran: Zarin Mehr.(in Persian)
- Gumming, C. I. D. (2004). Kuch-e- Energy (Healing colors), translated by Parisa Ghafari, Tehran: Jajermi. (in Persian)
- Hunt, R. (1999). Seven keys to color therapy, Tehran: Jamal-ul-Hagh.(in Persian)
- Loshier, M. (2012). Psychology of colors, translated by Vida Ebizadeh, 11th edition, Tehran: Dorsa. (in Persian)
- Panahi, M (2015). "Psychology of Color in Nima's Poetry", Literary Research Quarterly.12-13(3), 49-83.

التحليل النفسي للألوان الشعرية في شعر محمد عفيفي مطر

بناء على اختبار ماكس لوشر

نوع المقالة: أصيلة

سوگل عسکری کاسب^١، حمیدرضا مشایخی^{٢*}^١. ماجستير اللغة العربية وآدابها، كلية الأدب الفارسي واللغات الأجنبية، جامعة مازندران، مازندران، إيران.^٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الأدب الفارسي واللغات الأجنبية، جامعة مازندران، مازندران، إيران.

الملخص

يُعدّ اللون من الظواهر التي تتواصل بين داخل الإنسان وخارجه والدراسة السيكولوجية للألوان طريقة جيدة لتحليل ردود أفعال الإنسان تجاهها. واختبار ماكس لوشر الثمانية هو إحدى الاختبارات العلمية للتحليل النفسي التي تعتمد على بيانات وأرقام من ثمانية ألوان مختلفة والألوان بما فيها من معانٍ مختلفة تستخدم على نطاق واسع في الشعر وتكشف عن الوجوه الخفية لشخصية الشاعر معتمدة على المقاييس النفسية. محمد عفيفي مطر هو شاعر مصري معاصر قام باستخدام الألوان في قصائده والتعبير عن أحاسيسه تجاه العالم الواقع مستعيناً بها. إذن تحاول هذه الدراسة وعبر المنهج الوصفي - التحليلي أن تتناول مدى تأثير الألوان في أشعاره على ضوء اختبار ماكس لوشر وتحلل ردود أفعاله تجاهها. فنتائج البحث حسب المجموعة الأولى من الألوان الأحمر والأخضر لاختبار لوشر تبين العاطفة الثورية وروح النضال وانتقاد الحكومة والشجاعة والثقة بالنفس والمجموعة الثانية من لوني الأسود والأصفر تعبير عن موقفه المتشائم أمام المجتمع المصري وخيبة أمله إلى المستقبل فالمجموعة الثالثة بما فيها من لوني الرمادي والأزرق توضح مشاعره من الحب والسلام مما يجعل المرء يشعر بالذنب من خلال نظرتة إلى الحالة الراهنة. وفي الختام تعبر المجموعة الرابعة من لوني البني والأرجواني عما يدلّ على عزوف الشاعر أمام المشاعر من الحب والراحة والفردية.

الكلمات الرئيسية: الشعر المعاصر، عفيفي مطر، علم نفس اللون، اختبار لوشر.